

سیدعبدالامیر نبوی*

رضا بژکول**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۲۵

چکیده

انقلاب یاس در تونس که عامل سقوط بن علی، دیکتاتور این کشور، شد، توانست در مدت کوتاهی دست‌آوردهای مهمی را به همراه داشته باشد و به عنوان الگویی در جهان عرب شناخته شود. پس از موفقیت انقلاب، دولت ائتلافی توانست در مدت کوتاهی دست‌آوردهایی هرچند اندک در این کشور در حال‌گذار به دست آورد. تونس به عنوان اولین کشور عربی توانست با وحدت و عقلانیت رهبران گروه‌های سیاسی تنش داخلی را با تساهل و تسامح رفع کند و از اختلاف و درگیری بین نیروهای سلفی و احزاب چپ این کشور جلوگیری نماید.

در این حال تونس با چالش‌هایی در آینده روبه‌رو است که می‌تواند باعث تفرقه و درگیری‌های داخلی شود. حضور سلفی‌ها در داخل و افراطیون در کنار مرزها و انتخابات پیش رو، همه نشانه‌هایی است که چالش در آینده را می‌توان پیش‌بینی کرد. از طرف دیگر، اقتصاد نوپای این کشور که در گذشته آسیب‌های زیادی را متحمل شده، می‌تواند باعث شکاف بین دولت و ملت گردد و این خطر بزرگی است که چالش‌های موجود را بیشتر خواهد کرد. این مقاله در نظر دارد به جریان‌های سیاسی فعال این کشور و چالش پیش رو پس از خیزش عمومی مردم تونس در عرصه‌های مختلف بپردازد.

واژگان کلیدی: دیکتاتوری، انقلاب، سلفی‌گری، انقلاب یاس

* استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

** کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرج

nabavi@iscs.ac.ir

irsotr_bejkol@yahoo.com

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم و دوم، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۵۰ - ۱۳۵.

مقدمه

در ژانویه ۲۰۱۱ پس از حدود ۲۸ روز ناآرامی و اعتراضات سراسری علیه اوضاع سیاسی و معیشتی در این کشور، دولت زین العابدین بن علی سقوط کرد؛ در شرایطی که این کشور در طول بیش از ۱۵ سال پیش از آن بسیار آرام و از لحاظ حضور گردشگران خارجی و سرمایه‌گذاران خارجی که منبع اصلی درآمد آن کشور بود، کشوری باثبات به شمار می‌رفت. اما با مرگ طارق محمد بن بوعزیزی که توسط یک مأمور زن شهرداری مورد تحقیر واقع شده بود، موج اعتراض‌ها شروع و همه کشور را فرا گرفت. اعتراض‌ها به مرگ جوان سبزی‌فروشی که زندگی خانواده خود را تامین می‌کرد، سبب شد اعتراض به روند بیکاری و قیمت بالای مواد غذایی، فساد حکومتی و نداشتن آزادی‌های مدنی از منطقه سیدی بوزید که جوان تحصیل کرده زندگی می‌کرد، شروع شود. نخستین تظاهرات در ۱۷ دسامبر در این منطقه ضعیف از لحاظ اقتصادی برگزار شد. خودسوزی آن جوان، چون شعله‌ای تمام تونس را فرا گرفت و تبدیل به یک بحران داخلی و منطقه‌ای در شمال آفریقا گردید. کوتاه آمدن دولت تمامیت‌خواه بن علی و دادن وعده‌هایی همچون ایجاد ۳۰۰ هزار شغل، آزادی رسانه‌ها و دموکراسی هم معترضان را قانع نکرد. بن‌علی که بیش از ۲۳ سال بر اریکه قدرت سوار بود، برای اینکه بحران کشورش را آرام کند در سخنرانی سراسری خود که از رسانه‌های صوتی و تصویری به صورت زنده پخش می‌شد، وعده داد که به تمام نگرانی‌ها درباره حذف افزایش چهار برابری بهای غذا و معضل بیکاری پایان دهد، اما این مردم تونس بودند که در برابر وعده‌های داده شده کوتاه نیامدند تا بن‌علی در بامداد دوشنبه ۱۵ ژانویه پس از ۲۸ روز اعتراض فراگیر مردم و تظاهرات خیابانی در تمام نقاط کشور به‌همراه همسر خود به عربستان سعودی بگریزد.

فرار بن‌علی از تونس و سرنگونی حکومت ۲۳ ساله وی، خاورمیانه و کشورهای عربی را وارد دوران جدیدی از تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی نمود، تحولاتی که باعث شد اکثر کشورها و ملت‌ها به پیروی از روند جاری در تونس گامی به جلو بگذارند و پایه حکومت‌های تمامیت‌خواه و توتالیتر را لرزان و یا فرو ریزند. پس از آن، حکومت‌هایی چون لیبی، مصر، یمن و بحرین به چالش کشیده شدند. خیزش مردمی در خاورمیانه سبب گردید دولت‌های خارجی

به خصوص غرب در برنامه حمایتی خود از این حکومت‌ها تا حدودی تجدید نظر کنند و به دنبال منافع خود در فرآیند سیاسی جدید کشورهای عربی باشند.

دست‌آوردهای انقلاب یاس

اولین جنبش مردمی جهان عرب با کنارزدن حکومت دیکتاتوری بن‌علی الگوی نوینی را به جهان عرب معرفی کرد. (طالبی، ۱۳۹۲) مردم تونس پس از سال‌های متمادی سیطره دولت‌های بورقیه و بن‌علی، توانستند به حکومت تمامیت‌خواهانه این کشور پایان دهند و با اتحاد، نظامی سیاسی را تشکیل دهند که همه نحله‌های سیاسی از چپ مارکسیستی تا راست اسلامی، سکولارها و لیبرال‌ها در زیر یک چتر فعالیت کنند. بنابراین، جنبش مردمی تونس توانست الگویی از مشارکت را به نمایش گذارد که به سرعت مورد توجه و الگوگیری توسط سایر مردم کشورهای عربی منطقه قرار گرفت.

برای آغاز بحث از این حرکت استثنایی، به نظر می‌رسد توجه به موارد زیر اهمیت داشته باشد: یک. سقوط بن‌علی در کوتاه‌ترین زمان و بازگشت حاکمیت سلب شده مردم تونس، باعث شد که مردم منطقه قدرت خود در ایجاد تغییر را باور کنند و موجی از تغییر آغاز شود؛ دو. حرکت مردم تونس برای دموکراسی و حکومت قانون با وقوع انقلاب آغاز شد، با این حال برای رسیدن به استقرار یک نظام دموکرات راه درازی در پیش رو وجود دارد؛ سه. به همان نسبت که انقلاب تونس ملت‌های منطقه را برای تغییر مصمم‌تر کرد، نظام‌های حاکم در این منطقه را هم بیمناک ساخت؛ چرا که روشن شده بود با زور نمی‌توان حکومت ابدی داشت؛ چهار. در نهایت با انقلاب تونس الگویی نوین در منطقه مطرح شد که در آن، مردم برای اولین بار علت بدبختی‌ها و فلاکت خود را نه به دشمن خارجی و دخالت غرب در کشورشان، بلکه خودکامگی و فساد نخبگان حاکم در کشور دانسته و علیه آن شوریدند. (احمدیان، ۱۳۹۰)

با این حال برای موشکافی به علل و عوامل موفقیت مردم تونس در چند حوزه به بررسی و تجزیه و تحلیل می‌پردازیم.

الف. دست‌آوردهای سیاسی

از جمله دست‌آوردهای سیاسی انقلاب یاس در تونس، برقراری نظامی مبتنی برخواست همه احزاب و گروه‌های سیاسی بود تا در یک فرآیند دموکراتیک دور هم جمع شوند و کشورشان را بر اساس حکمیت همه بزرگان احزاب سیاسی و گروه‌ها به سوی توسعه و بهبود اوضاع جاری سوق دهند. براین اساس، از مهم‌ترین دست‌آوردهای سیاسی انقلاب می‌توان موارد ذیل را بیان کرد: یک. سرنگونی رژیم بن‌علی پس از ۲۳ سال حکومت دیکتاتوری و سیطره حزبی تمامیت‌خواه؛

دو. ایجاد نظامی دموکراتیک با حضور همه گروه‌ها و احزاب سیاسی؛

سه. رجوع به آرای عمومی پس از پیروزی و برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان که در ۶۰ سال گذشته این کشور بی‌سابقه بوده است؛

چهار. باز شدن فضای سیاسی کشور و حضور و تعامل همه احزاب و گروه‌ها در فرآیند سیاسی کشورشان پس از پیروزی؛

پنج. تلاش برای مقابله با اندیشه‌های سلفی که پس از تحولات تونس رشد وسیعی داشته است و تعداد قابل توجهی از مساجد اکنون در کنترل آنهاست؛

شش. تلاش برای فائق آمدن به حرکت‌های تروریستی که اکنون یکی از چالش‌های امنیتی تونس است به شکلی که ارتش اغلب در مناطق مرزی این کشور با لیبی درگیری نظامی دارد.

در این نوشته، ما در پی ذکر تمام دست‌آوردهای سیاسی انقلاب تونس نیستیم، اما شواهد حاکی از آن است که تحولاتی چون آزادی احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات آزاد و منظم در نظام جدید شکل گرفته است، با این حال بایستی برخی مشکلات و بی‌تجربگی‌های سیاسی همچنان گریبان‌گیر ملت تونس است؛ بخشی از آنها ناشی از عدم استقرار کامل یک دولت ملی قوی و کارآمد است، و بخشی دیگر به دلیل نوپایی نظام سیاسی جدید است که در حال گذار به سوی آزادی‌های مدنی و سیاسی است.

در این باره بایستی به یاد داشت که به‌رغم وعده‌ها و گاه اقدامات امیدوارکننده بن‌علی، هیچ‌گاه دگرگونی عمیقی در نوع مناسبات مثلث رییس‌جمهور، حزب و دولت پدید نیامد او در حالی که نام

حزب حاکم را به جمعیت طرفداران قانون اساسی دموکراتیک (RCD) تغییر داد، همچون بورقیبه وابستگی حزب را به شخص خود افزایش داد. مصوبه قانونی تأسیس احزاب جدید در سال ۱۹۸۸ هم «بیشتر به این منظور طراحی شده بود تا اجتناب‌ناپذیری پیروزی کامل طرفداران قانون اساسی دموکراتیک در انتخابات عمومی و شهرداری‌ها را از اذهان دور سازد.» (مورفی، ۱۳۸۳: ۲۱۹)

ب. دست‌آوردهای اقتصادی

تونس کشوری است که از جایگاه ویژه‌ای در منطقه به‌خصوص به‌واسطه نزدیکی به اروپا برخوردار است. دولتمردان سابق این کشور به‌رغم برخورداری از امکانات بالقوه جهت رفع مشکلات تونس، گام‌هایی برداشتند، اما این گام‌ها بیشتر برای منافع اعضا و نزدیکان خانواده بن‌علی که نیمی از اقتصاد کشور در دستان آنها بود، فایده داشت.

پیروزی انقلاب در تونس تاکنون دست‌آوردهای اقتصادی اندکی برای مردم داشته است. تونس در این مدت از لحاظ اقتصادی فراز و نشیب‌های بزرگی داشته است؛ مثلاً رشد اقتصادی سال ۲۰۱۳ نسبت به ۲۰۱۲ در حدود ۶/۲ درصد کاهش یافت که کارشناسان اقتصادی عواملی چون بحران و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در این کشور عربی را در این امر دخیل می‌دانند. می‌دانیم که سال ۲۰۱۳ برای تونس پرتنش بود. در این سال، دو تن از مخالفان چپ‌گرای کشور ترور شدند و ۲۰ تن از نظامیان و نیروهای امنیتی هم در یک عملیات تروریستی جان خود را از دست دادند، این در حالی است که تونس درگیر بحران اقتصادی بود و خیل عظیمی از بیکاری (۳۰٪) رنج می‌بردند.

بر اساس مطالعه موسسه هریتیج و وال‌استریت ژورنال که به بررسی شاخص‌های آزادی اقتصادی در جهان می‌پردازد، تونس در ۲۰۱۴ در میان نزدیک به ۲۰۰ کشور رتبه ۱۰۹ را به‌خود اختصاص داد و این کشور رتبه‌های زیر را به دست آورد:

یک. آزادی سرمایه‌گذاری ۳۵؛

دو. آزادی تجاری ۶۱/۸؛

سه. آزادی پولی ۷۵/۹؛

چهار. آزادی بازار نیروی کار ۶/۷۲

پنج. آزادی کسب و کار ۹/۸۰

شش. آزادی مالیاتی ۳/۷۴ و

هفت. فقدان فشار ۳۹۲.

در مقابل، کشورهای دارای منابع زیرزمینی و انرژی (مثل ایران و عربستان) در این سال از رشد خوبی برخوردار شدند. (هریتیچ و وال استریت ژورنال، ۲۰۱۴)

دولت ائتلافی در این زمان تلاش کرد مشکلات اقتصادی را در اولویت خود قرار داده و آن را رفع نماید که مهم‌ترین نتایج آن به شرح زیر است:

یک. مبارزه با فساد ساختاری برجای مانده از رژیم؛

دو. استفاده از کارشناسان خبره برای اعتلای اقتصادی؛

سه. تلاش برای کاهش فقر و بیکاری با استفاده از ظرفیت‌های موجود؛

چهار. حمایت از تولیدات داخلی در مقابل واردات خارجی با هدف رشد و شکوفایی اقتصادی؛

پنج. تلاش برای ایجاد بازار کار برای جوانان که در برهه‌ای کوتاه موجب شد بیکاری از ۳۰

درصد به ۱۵ درصد کاهش یابد؛ و

شش. احیای صنعت گردشگری که همواره یکی از منابع اصلی درآمد تونس بوده است.

ج. دست‌آوردهای فرهنگی و اجتماعی

دولت‌مردان جدید تونس برای رسیدن به آرمان‌های انقلاب کشورشان و در چارچوب نگاه

آزادانه به مسائل، به دست‌آوردهایی به شرح زیر دست یافته‌اند:

یک. احترام به آزادی پوشش و حجاب برای زنان به خصوص در دانشگاه‌ها؛

دو. بازکردن فضای مساجد برای برگزاری مراسم دینی و فعالیت گروه‌های اسلامی از همه

طیف‌های موجود؛

سه. فعالیت هنرمندان تئاتر و سینما بدون دغدغه‌های سیاسی و امنیتی؛

چهار. جلوگیری از تظاهر به مناسک دینی و آزادبودن در شعائر دینی؛

پنج. تصویب قانونی برای آزادبودن افراد خداناباور در قانون اساسی؛ و شش. رعایت آزادی مطبوعات و رسانه‌ها.

اهمیت این موارد در آن است که می‌دانیم پیش از انقلاب یاس، زنان نمی‌توانستند از پوشش اسلامی در دانشگاه‌ها برخوردار باشند، کمالینکه فعالیت مطبوعات، رسانه‌ها و هنرمندان زیر نظر و کنترل دستگاه‌های امنیتی قرار داشت.

د. دست‌آوردهای خارجی

دولت تونس به نظر می‌رسد در سیاست خارجی مواضع خود را با کشورهای چون آمریکا، ترکیه و قطر هماهنگ کرده و به دلیل ضعف اقتصادی، طبیعی است که بیشتر تمایل دارد با کشورهای پیشرفته در ارتباط باشد، اگرچه در درون کشور مواضع ضدغربی و اسراییلی حاکم است. از طرفی دولت موقت تونس در نوامبر ۲۰۱۲ سند افزایش همکاری با اتحادیه اروپا را امضاء کرد و روابط خود را با این اتحادیه گسترش داد. حمادی الجبالی نخستین دیدار خود از غرب را به بروکسل انجام داد و طی آن، اتحادیه اروپا متعهد شد ۱۶۰ میلیون یورو و در قالب سرمایه‌گذاری‌های جدید و کمک به دولت تونس پرداخت نماید.

در سال ۲۰۱۳ قائد السبسی، رئیس‌جمهور جدید، طی ملاقاتی با فرانسوا اولاند آماادگی این کشور را برای گسترش همکاری‌های اقتصادی اعلام کرد، اما واقعیت آن است که روابط دو کشور مثل گذشته ادامه نیافت در حالی که کشورهای چون آلمان، انگلیس و ایتالیا روابط خود را با تونس گسترش دادند. در سطح منطقه‌ای روابط تونس با الجزایر و لیبی همچنان باقی است، به‌ویژه لیبی که به‌رغم آنکه در مرزهای هر دو کشور حضور گروه‌های سلفی، تندرو و مسلح گسترده است، بزرگ‌ترین بازار صادراتی این کشور پس از اتحادیه اروپاست.

بر این اساس، دست‌آوردهای انقلاب یاس در سیاست‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تونس به‌شرح ذیل نمایان می‌شود:

یک. ارایه الگوی جدیدی از مبارزات اجتماعی و سیاسی در خاورمیانه و جهان عرب؛ دو. مبارزه با گروه‌های سلفی تندرو در مرز مشترک با لیبی؛

سه. گسترش روابط با کشورهای غربی بر اساس منافع مشترک؛ و چهار. حمایت از گروه‌های مبارز در مقابل حکومت تمامیت‌خواه قذافی در لیبی.

وضعیت زنان در تونس

پس از انقلاب، بیشتر تحلیلگران و مفسران که در زمینه جایگاه زنان در تونس بحث می‌کردند، از محدودیت این قشر از جامعه صحبت می‌کردند. زنان تونسی به دلیل حضور اسلام‌گراها در راس قدرت در هراس بودند، اما جنبش مردمی تونس و حزب النهضة که بیشترین تعداد کرسی‌ها را از آن خود کرده بود، اعلام کرد که قانون چندهمسری را نخواهد پذیرفت؛ چون از دیدگاه شریعت قانون چندهمسری غیرقانونی است. از طرف دیگر، موضوع حجاب در همه جنبه‌های زندگی در تونس قانونی و یک انتخاب شخصی می‌باشد، نه از روی اجبار.

لازم به یادآوری است که در انتخابات تونس ۴۲ زن وارد مجلس شدند که از لحاظ درصدی به ۲۵٪ می‌رسد و یک آمار استثنایی در منطقه به‌شمار می‌آید. این در حالی است که درصد حضور زنان در مجالس کشورهای خاورمیانه از پایین‌ترین سطح برخوردار است و این نشان می‌دهد که اسلام‌گرایان تونس از تجربه دیگر کشورهای خاورمیانه به‌درستی درس گرفتند تا محدودیت یا کنار گذاشتن زنان را در سرلوحه ساختار حکومتی خود قرار ندهند. همچنین حضور سه زن در کابینه دولت موقت نشان می‌دهد که دیدگاه و عملکرد رهبران می‌تواند در تسهیل روند گذار به سوی دموکراسی موثر باشد، چنان‌که ۲۵ درصد اعضای مجلس موسسان را زنان تشکیل دادند، به‌خصوص حضور چند زن از اعضای حزب النهضة حاکمیت خرد و عقلانیت در این حزب را نشان می‌دهد. از مجموع ۲۱۷ نفر اعضای پارلمان تونس، ۵۹ نفرشان زن هستند که از این تعداد ۴۲ نفر آنان محجبه‌اند که روند روبه‌رشدی برای تونس بعد از انقلاب به‌حساب می‌آید.

چالش‌ها و تهدیدها

چالش‌های سیاسی

بدون شک هر انقلابی پس از پیروزی با مسائل و چالش‌های متفاوتی مواجه می‌شود و تونس

از این امر مستثنی نیست. آسیب‌ها و تهدیدهایی که انقلاب نوپای تونس را مورد هجوم قرار داده است، می‌تواند به افول جایگاه آن کشور در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی منجر گردد. آفت‌ها همیشه پس از پیروزی سر بر می‌کشند و اختلافات درونی انقلابیون را به جنگ علیه یکدیگر می‌کشانند و سبب تفرقه در بین مردم می‌شوند، این عوامل تنش‌زا در تونس به شرح ذیل قابل بررسی هستند:

یک. اختلاف گسترده بین احزاب سیاسی که باعث تنش‌ها و درگیری‌ها و زمینه‌ساز فروپاشی نظام سیاسی آن کشور می‌شود، اگر احزاب سیاسی نتوانند در یک فرآیند مدنی و با استفاده از عقلانیت، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های متکثر موجود در کشور خود را شکوفا کنند، قدر مسلم استقلال و آزادی کشورشان با تهدید مواجه خواهد شد.

دو. بی‌تفاوتی مردم به سرنوشت اجتماعی و سیاسی خویش و حضور کم‌رنگ آنان می‌تواند چالشی بزرگ در تونس محسوب گردد، عدم توسعه سیاسی در کشور و نداشتن آزادی‌های سیاسی و مدنی بیش از همه سبب می‌شود سرگذشت یک ملت به فراموشی برود و آنان را درگیر مسائلی کند که گروه‌های اسلام‌گرای تندرو در خاورمیانه به دنبال آن هستند.

سه. وجود افراد متحجر و واپس‌گرا که بیشتر دنبال منافع حزبی و دینی با قرائت خاصی از دین هستند و بیش از هر چیز در صدد قبضه کردن حکومت برای مبارزه با اندیشه‌های مخالف خود همچون گروه‌های چپ و سکولار هستند. در این چارچوب گفتنی است «آنچه جوامع اسلامی را عقب نگه‌داشته، روش برخی رجال دین است که به شریعت محض پرداخته‌اند و امر دنیا را رها کرده‌اند و نیز برخی رجال سیاسی که فقط دنیا را می‌شناسند و دین را رها کرده‌اند.» (برومنداعلم، ۱۳۸۸)

چالش دیگر تونس، برگزاری منظم و آزاد انتخابات مجلس قانون‌گذاری و ریاست جمهوری در این کشور است. براساس شواهد، نیروها و احزاب اسلامی بیشتر در پی گرفتن مجلس هستند تا بتوانند در مجلس قانون‌گذاری دست بالایی داشته باشند، به دلیل اینکه ریس جمهور در کشور از لحاظ قدرت اجرایی بدون مصوبه قانون‌گذاران نمی‌تواند حرکتی رو به جلو داشته باشد، بنابراین آنان می‌توانند در عرصه قدرت اجرایی خواسته‌ها و اهداف خود را به پیش ببرند، از طرفی چون

مجلس می‌تواند ریس‌جمهور انتخابی را عزل نماید، اسلام‌گراها کاندیدایی برای ریاست قوه مجریه در نظر نگرفتند تا گروه‌های دیگر در این عرصه بتوانند عرض اندام نمایند و خود را از زیر بار فشار منتقدان رها کنند، اما السبسی با تشکیل حزبی فراگیر (ندای تونس) و استفاده از نیروهای فعال جامعه توانست در هر دو انتخابات به پیروزی برسد. بدین ترتیب، تمام برنامه‌های از پیش تعیین شده اسلام‌گراها برای آینده تونس برپا رفت و رقیب با استفاده از فضای ایجاد شده به موفقیت بزرگی دست یافت.

در پایان این انتخابات، مشخص شد که اسلام‌گراها شکست سختی خورده‌اند و حزب تازه‌تاسیس ندای تونس بیشترین رای صندوق‌ها را از آن خود کرده است (۸۸ کرسی از ۲۷۰ کرسی مجلس) که این تحول بزرگ می‌تواند آینده تونس را دست‌خوش تحولات شگرفی کند. (ایلنا، ۱۳۹۳) انتخابات در تونس همچنین نشان داد که اسم‌ها نیستند که برگ برنده‌اند، بلکه برنامه‌های ارایه شده از سوی گروه‌ها و احزاب سیاسی است که می‌تواند پیروزی آنان را تضمین نماید، چنان‌که حضور بیش از ۱۳۰۰ حزب و فهرست گویای این مسئله است (ایسنا، ۱۳۹۴) که مردم تونس خواهان تغییر هستند.

از طرف دیگر، انقلاب تونس فضایی آزاد برای فعالیت احزاب و مطبوعات فراهم کرده است، درحالی‌که در دوران بن‌علی تنها شش حزب سیاسی فعال بود، ولی با پیروزی انقلاب زمینه تاسیس بیش از ۵۱ حزب و جریان سیاسی و حزبی فراهم گردید. البته بایستی به یاد داشت که حزب بن‌علی (حزب الدستور) همواره قدرت را به صورت انحصاری در دست داشت. امروزه هم مشکل آن است که احزاب تونس با قواعد بازی سیاسی و دموکراتیک آشنایی کامل ندارند و این وضعیت عواقب خوبی در پی نخواهد داشت. کشمکش بین سه حزب ائتلافی پس از پیروزی انقلاب نمونه‌ای بود که نشان می‌داد هنوز قواعد بازی دموکراتیک در تونس نهادینه نشده و گروه‌ها و احزاب تازه‌تاسیس نمی‌دانند که برای روند مردم‌سالاری در کشور چگونه به رقابت سالم بپردازند و در فرآیندهای سیاسی کشورشان حضور موثری داشته باشند. در واقع، اکثر گروه‌های سیاسی تونس در عمل تنها در فکر آن هستند که دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خود را به دیگران دیکته کنند.

چالش‌های اقتصادی

به نظر می‌رسد تردید نیست که سیاستمداران تونس با یستی راهبرد مبتکرانه‌ای را دنبال کنند تا بتوانند بر چالش‌های اقتصادی پیش رو مقابله کنند. در واقع، تونس برای غلبه بر مشکلات اقتصادی نیازمند یک رفرم در ساختار اقتصادی است. مواردی از چالش‌های پیش روی آن کشور به شرح ذیل است:

یک. دولت با یستی موانع موجود برای سرمایه‌گذاری و تجارت را بردارد و میزان مشارکت بخش خصوصی واقعی را که در سالیان گذشته کم‌رنگ شده شتاب بیشتری بخشد تا تولیدکنندگان بتوانند تولیدات خود را در جریان یک رقابت سازنده و بدون قوانین دست‌وپاگیر به مرحله نهایی (عرضه) برسانند.

دو. سیاست‌گذاران تونس باید محرک‌هایی را طراحی کنند که منابع را به سوی بخش‌هایی با ارزش افزوده بالا و دانش‌محور هدایت کنند تا تولیدکنندگان با استفاده از فرصت‌های حقیقی در بخش‌های کشاورزی، صنایع و خدمات و بهره‌گیری از سرمایه انسانی به سوی نوآوری و همچنین تنوع کالاها در بازار اقدام نمایند.

سه. برای چیره شدن به مشکلات کشور لازم است دولت به بررسی و بازنگری در دارایی‌های عمومی بپردازد تا بتواند به عدالت اجتماعی نائل گردد. جدی گرفتن قوانین مالیاتی و حذف شکاف‌های ناعادلانه مالیاتی، سخت‌گیری بر مالیات‌گرایان و حصول اطمینان به اینکه همه پرداخت‌کنندگان مالیات بر طبق ظرفیت مالی خود در این امر مشارکت می‌کنند، کاهش یارانه‌های سوخت و نیز کاهش موارد پرهزینه عمومی، آرایه طرح‌های منسجم‌تری برای فقرای این کشور و همچنین اصلاح خدمات عمومی همگی نکاتی است که با یستی بدانها توجه گردد.

چهار. دولت تونس باید توسعه جامعی را طراحی کند که برابری در دستیابی به خدمات اصلی همچون تحصیل و سلامت عمومی در سراسر مناطق کشور را شامل شود، با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشور به تحرک نیروی کار بپردازد و برای دسترسی به مسکن ارزان، توسعه مکمل‌های منطقه‌ای را ایجاد کند که در نهایت منجر به استاندارد عادلانه زندگی در سرتاسر مناطق خواهد بود. (لاس‌ن چی، ۱۳۹۰)

از طرفی بازگشت کارگران تونس از لیبی به واسطه شدت گرفتن بحران در آن کشور، نرخ بیکاری در تونس را به شدت افزایش داده و میزان آن را از ۱۳ درصد در ۲۰۱۰ به ۳/۱۸ درصد در سال ۲۰۱۱ رساند. در این میان تونس با تهدید بزرگی در زمینه اقتصادی روبه‌رو است و آن ارسال سلاح در سطح گسترده به این کشور است. در واقع، نفوذ جریان‌های سلفی و وجود گروه‌های جهادی افراطی در کشور همسایه؛ یعنی لیبی، امنیت این کشور را برای سرمایه‌گذاران مختل خواهد کرد. می‌دانیم که در صورت نبود امنیت صنعت گردشگری در تونس با مانع بزرگی روبه‌رو خواهد شد، حضور گردشگران تنها با حصول امنیت امکان‌پذیر است، به‌خصوص در تونس که به دلیل همسایگی با کشورهای اروپایی، یکی از پرجاذبه‌ترین مناطق برای جذب گردشگران خارجی است. بر اساس آمارهای دولت قبلی، بخش اعظم درآمد این کشور از راه گردشگری و سرمایه‌مسافران بوده است که اغلب از اروپا، آسیا و آفریقا به این کشور سفر می‌کردند. طبیعی است که تونس یکی از قطب‌های اصلی گردشگری در شمال آفریقا است و چنانچه دولت فعلی نتواند امنیت را به‌طور کامل به تونس برگرداند قدر مسلم با چالش بزرگی در راه دستیابی به درآمد ناشی از گردشگری روبه‌رو خواهد شد.

چالش امنیتی

با توجه به وضعیت تونس که از جریان‌ها و دیدگاه‌های مختلف سیاسی تشکیل شده است، این امر می‌تواند کنش‌های متقابل و متعارضی را در جریان تصویب لوایح و قوانین و یا مبارزات سیاسی پدید آورد، به درگیری میان احزاب و گروه‌های قدرتمند در تونس بینجامد و کشور را با چالشی بزرگ روبه‌رو کند. روشن است که آنها چنانچه نتوانند در یک فرآیند دموکراتیک و مسالمت‌آمیز نیازها و خواست‌های مردم را مد نظر قرار دهند و دچار تفرقه و تشتت شوند، شاهد اعتراضات عمومی گسترده دیگری خواهیم بود.

یک بایستی به یاد داشت که یکی از دلایل اصلی پیروزی انقلاب تونس موضع‌گیری ارتش این کشور بود؛ وقتی بن‌علی از ارتشیان خواست در مقابل مردم بایستند و به‌سوی تظاهرات‌کنندگان شلیک کنند، آنان نه تنها این کار را نکردند بلکه با اولتیماتوم ۲۴ ساعته به بن‌علی وی را مجبور به فرار کردند. (هاپیرمدیا، ۱۳۹۱) بنابراین، ارتش در ضمن غیرسیاسی بودن،

همچنان خود را حافظ امنیت و استقلال کشور می‌داند، نه مدافع یک جریان سیاسی یا حزبی خاص. در عین حال، لازم است که نقش و جایگاه ارتش در قدرت، مدیریت و روند تصمیم‌گیری مشخص و شفاف شود.

دو. یک چالش مهم در تونس، همچنان، وجود گروه‌های باقی‌مانده از رژیم گذشته است که نگاهشان به دگرگونی‌های سیاسی عمیق با هدف بازگشت به گذشته است. آنها معتقدند تغییرات فعلی باید به صورت محدود انجام گیرد تا صرفاً خشم مردم فرو نشیند. اینان که هنوز در دستگاه‌های دولتی و نیز ارتش و نیروهای امنیتی نفوذ دارند، با دامن زدن به نارضایتی قشرهای فقیر جامعه تونس، شرایط را برای تشدید یاس و ناامیدی و بازگشت به قواعد و رویه‌های گذشته آماده می‌کنند.

سه. فعالیت گروه‌های سلفی مشکلات و نگرانی‌های زیادی برای ثبات سیاسی تونس به دنبال آورده است. تاکنون سه حزب اصلاح به رهبری محمد خوجه، الاصله به رهبری مولود مجاهد و الشریعه به رهبری ابویایض فعال بوده‌اند. در این چارچوب، فعالیت سلفی‌های جهادی در مناطق کوهستانی که بی‌ارتباط با تحولات سوریه نیست، می‌تواند آینده تونس را با خطرات زیادی روبه‌رو کند. آنان که تعدادشان نیز کم نیست، از شرایط بد اقتصادی و اجتماعی به سود خود و برای سربازگیری استفاده می‌کنند، چنان که بر اساس اظهارات سخنگوی دولت، صدها زن برای کمک به داعش قصد رفتن به سوریه و عراق را داشتند که با شناسایی به موقع نیروهای امنیتی از خروج بخش اعظم آنان جلوگیری شد. در گزارش یکی از مقامات تونس هم آمده است که نزدیک به ۶۰ هزار نفر قصد ترک تونس برای پیوستن به داعش را داشتند که این تعداد می‌تواند برای هر کشوری خطرناک باشد. (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۴)

دولت‌ها و حکومت‌ها همواره زمانی از درون ضربه خورده‌اند که نزاع‌ها و ستیزهای فرقه‌ای یا قومیتی از بیرون کشور مورد حمایت قرار گرفته است. بروز جنگ در بسیاری از موارد به خاطر تفاوت اندیشه و یا دیدگاه نیست، بلکه عاملی است برای رسیدن به اهداف سیاسی و ابتدای آن با جنگ روانی در جهت بزرگ جلوه دادن اختلافات است. در این زمینه می‌توان از کشورهای سوریه و عراق به‌عنوان نمونه نام برد و البته تونس هم از این امر مستثنی نیست.

قانون شکنی و مهاجرت نخبگان

یکی از معضلات مهم در کشورهای خاورمیانه قانون گریزی است، چنانچه التزام به قانون در کشور تونس فراگیر نشود و همه جریان‌ها و گروه‌ها ملتزم به آن نباشند و نخواهند براساس چارچوب‌های قانونی حرکت کنند، منجر به خودرایی و دیکتاتوری جدید خواهد شد که این عمل انسجام و اتحاد درونی را از بین خواهد برد. جلوگیری نکردن از دلالتی و واسطه‌گری، باندبازی منافع ملی را از بین خواهد برد و یکی از نشانه‌هایی قانون گریزی، هرج و مرج در جامعه است که به تولید استبداد می‌انجامد و این یعنی سقوط انقلاب یاس تونس که با تلاش چنددهه نخبگان سیاسی و مردم به دست آمده است.

در تونس نقش نخبگان در ساختار کشور نقش حیاتی است که به دلیل مجاورت با کشورهای اروپایی و آشنایی با تخصص‌ها و کارهای علمی به کشور باز گشته‌اند و در پی ساختن کشوری پیشرفته هستند، آنها تلاششان برگرداندن تونس به واقعی در شرایط فعلی است، اگر دولت السیسی نتواند با ایجاد امکانات و تکنولوژی، دانش روز توسط نخبگان داخلی و خارجی موفق شود، مسلماً با موج عظیمی از مهاجرت آنها به کشورهای دیگر خواهد بود که این خطری بزرگ برای تونس محسوب می‌شود.

وظایف ملت و دولت در برابر مشکلات موجود در تونس:

- یک. توجه به ارزش‌های انقلاب نوپای خود و اهداف آن؛
- دو. پرهیز از تنش‌ها و اختلافات داخلی به واسطه مشکلات اقتصادی که امری طبیعی است؛
- سه. همراهی و هم‌گامی بین مردم و مسئولین برای رفع مشکلات؛
- چهار. تحکیم و تامین زیرساخت‌های لازم برای مقابله با کمبودها و مشکلات؛
- پنج. توجه به آسیب‌های پیش روی اجتماعی؛
- شش. پیگیری اهداف و خواست‌های مردم تونس مثل بیکاری، فقر، گرانی و آزادی‌های مدنی؛
- هفت. توجه ویژه به تندروها و گروه‌های سلفی که در داخل و خارج فعال هستند؛ و
- هشت. جذب حداکثری برای محکم کردن پایه‌های انقلاب در یک فضای باز سیاسی.

نتیجه‌گیری

پس از سقوط حکومت بن‌علی، اکثر گروه‌ها و احزاب سیاسی در فرآیند زمانی نسبتاً کوتاه دست به دست هم دادند تا بتوانند برای ساختن تونس‌ی آزاد و پیشرفته گام‌هایی بردارند. در ابتدای پیروزی انقلاب، شورایی متشکل از رهبران احزاب و گروه‌های سیاسی و اجتماعی تشکیل شد تا برای تغییر ساختار کشور برنامه‌ریزی و برای آینده کشور راه‌کاری پیدا کنند. این شورا در بدو امر طبق قانون اساسی، رئیس مجلس را به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت کشور معرفی کرد، سپس رئیس مجلس را از حزب دموکراتیک انتخاب، و رئیس قوه مجریه را از ان‌هضه انتخاب نمود تا قطار کشور در مسیر فعالیت و ثبات قرار گیرد. البته بلافاصله و در اندک‌زمانی اختلاف‌هایی بین احزاب سیاسی ایجاد شد که در ابتدای هر انقلاب یا دگرگونی اجتماعی وسیعی طبیعی به نظر می‌رسد، اما هوشیاری رهبران احزاب سیاسی به‌خصوص ان‌هضه تنش‌ها را کاهش داد تا در نهایت شرایط سیاسی تونس مانند مصر به ناآرامی کشیده نشود، کناره‌گیری حزب راشد الغنوشی از قدرت، نمونه مهمی از تلاش برای رفع اختلاف‌ها بود که بر اثر تدبیر و عقلانیت نخبگان سیاسی آن کشور به عمل آمد. این حزب توانسته بود در انتخابات مجلس موسسان که در سال ۲۰۱۲ برگزار شد، ۹۱ کرسی را از آن خود کند که ۴۵٪ کرسی‌های مجلس موسسان را تشکیل می‌داد.

در این شرایط، تداوم مشکلات و معضلات اقتصادی عاملی شد که فضای امیدوارانه پس از انقلاب تا حدودی آسیب ببیند و در این فضا هم گروه‌های افراطی رشد کنند و هم برخی از اسلام‌گرایان تندرو از مرز لیبی وارد تونس شوند. بنابراین مشخص است که تونس برای فائق آمدن بر مشکلات موجود موانع و چالش‌های زیادی در پیش رو دارد که خلاصه آن به شرح ذیل است:

یک. فعالیت گروه‌های افراطی که اصولاً دموکراسی را بر نمی‌تابند و چالش میان اسلام‌گرایی و سکولاریسم را تشدید کنند؛

دو. عدم رشد اقتصادی کشور که می‌تواند در فرآیندهای سیاسی جاری اثری منفی ایجاد کند؛ و سه. اختلافات طایفه‌ای و قومی در مناطق حاشیه‌ای و مرزی که به‌خصوص به واسطه بیکاری و تورم و یا فعالیت گروه‌های رادیکال تشدید شود.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. ابراهیم، محمد و دیگران (۱۳۸۵)، جنبش اسلامی تونس، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۲. احمدی، حمید (۱۳۹۰)، «جزوه سیر تحول جنبش‌های اسلامی»، دانشگاه امام صادق (ع).
۳. احمدیان، حسن (۱۳۹۰)، «انقلاب تونس، زمینه‌ها و پیامدها»، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۱۰ اردیبهشت.
۴. برومنداعلم، عباس (۱۳۸۹)، «اسلام‌گرایی در تونس؛ نوگرایی در اندیشه و نخبه‌گرایی در سازمان»، ماهنامه زمانه، شماره ۹.
۵. بورجا، فرانسوا (۱۳۹۱)، اسلام سیاسی، نگاهی به تاریخ و اندیشه‌های الهنصه تونس، ترجمه سیدهادی خسرو شاهی، قم: بوستان کتاب.
۶. بی بی سی (۲۰۱۱)، مصاحبه با راشد الغنوشی پس از پیروزی حزب النهضة در تونس.
۷. بیداری اسلامی و تحولات منطقه، (۱۳۹۱)، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۸. تاریخ و جغرافیای مختصر تونس، بخش (۱ و ۲)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۹. خسروشاهی، سید هادی (۱۳۹۲)، اسلام سیاسی، نگاهی به تاریخ و اندیشه‌های الهنصه تونس، تهران: بوستان کتاب.
۱۰. دکمچیان، هرایر (۱۳۸۳)، اسلام در انقلاب، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.
۱۱. شفيعی، حسن، ابراهیم‌نیا، حسین و عروجی، منیره (۱۳۹۰)، «شبکه‌های مجازی در عصر جهانی شدن»، ارائه شده در همایش هویت اسلامی و جهانی شدن، تهران.
۱۲. طالبی، معصومه (۱۳۹۱)، «جریان‌های سیاسی فعال در تونس»، سایت دیپلماسی صلح عادلانه، مرکز مطالعات صلح.
۱۳. طالبی، معصومه (۱۳۹۲)، «بررسی تحلیلی رویدادهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی تونس»، سایت دیپلماسی صلح عادلانه، مرکز مطالعات صلح.
۱۴. طالبی، معصومه (۱۳۹۲)، «تنش و مشارکت سیاسی در تونس»، سایت دیپلماسی صلح عادلانه، مرکز مطالعات صلح.
۱۵. طالبی، معصومه (۱۳۹۲)، «تونس و مسیر پیش روی انقلاب این کشور»، سایت دیپلماسی صلح عادلانه، مرکز مطالعات صلح.
۱۶. علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۲)، «اسلام و حکومت در اندیشه راشد الغنوشی»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، بهار.
۱۷. محقق‌نیا، حامد، سیاست خارجی تونس پس از سقوط زین‌العابدین بن‌علی در تونس سه سال پس از انقلاب یاسمین، سایت برهان.
۱۸. مورفی، اما (۱۳۸۳)، «اصلاحات اقتصادی و دولت در تونس»، در دولت و تحول جهانی؛ اقتصاد سیاسی گذار در خاورمیانه، تألیف و گردآوری حسن حکیمیان و زیبا مشاور، ترجمه عباس حاتمی زاده، تهران: کویر.
۱۹. موسوی، سیدحسین (۱۳۹۲)، بیداری اسلامی و تحولات منطقه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.